



1

Vol. 12
Spring 2026

Research Paper

Received:
2025/04/30
Revised:
2025/09/16
Accepted:
2025/09/17
Published:
2026/05/22
P.P: 83-107ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

State Studies of Contemporary Iran

An analysis of the Iranian government's supportive policies toward the private sector against economic sanctions from the perspective of social responsibility (2011-2021))

Mohammadali Dadgan ¹ | Alireza Soltani ^{2*} | Reza Jalali ³ | Mohammadali Khosravi ⁴

Abstract

The economic sanctions of the 2010s placed the Iranian economy and, consequently, the private sector, under severe developmental constraints. The present article, considering economic sanctions as an intervening variable, seeks to utilize available data, evidence, and analyses to delineate a clear picture of the government's performance in the 2010s in the realm of good governance and within the framework of social responsibility towards the private sector, thereby taking a step towards the reform and rethinking of supportive policies. Employing a qualitative research method based on the analysis of library resources, government documents, statistical data, and analytical reports, the study aims to examine the government's macro-policies during the 2010s and answer the following question: To what extent and with what quality has the government, within its social responsibility framework, been able to provide the necessary grounds for supporting the private sector? The research findings indicate that although the Iranian government moved towards supporting the private sector in line with its social responsibility, due to the short-term and reactive nature of the policies and the lack of a dynamic and flexible institutional and structural economic foundation in practice, it failed to play a sustainable role in enhancing the private sector's capabilities. This failure pertains to creating psychological security and building trust for investment, removing foreign trade restrictions, strengthening domestic purchasing power, and increasing the competitive capacity of private sector economic actors. The innovation of this research lies in its simultaneous focus on the two concepts of 'good governance' and 'state social responsibility' and its analysis of governmental policy performance within the temporal context of the 2010s—an integrated approach that has received scant attention in the scientific literature to date.

Keywords: Iran, Government, Private Sector, Economic Sanctions, Social Responsibility.

1. Ph.D. Student in Public Policy, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
2. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
Email: r.soltani@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Dadgan, M.A; Soltani, A; Jalali, R; Khosravi, M.A (2026). An analysis of the Iranian government's supportive policies toward the private sector against economic sanctions from the perspective of social responsibility (2011-2021). *State Studies of Contemporary Iran*, 1(12), 83–107.

Publisher: Imam Hussein University© **Authors**This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



بررسی سیاست های حمایتی دولت ایران از بخش خصوصی در برابر تحریم های اقتصادی از منظر مسئولیت اجتماعی (۱۳۹۰-۱۴۰۰)

محمدعلی دادگان^۱ | علیرضا سلطانی^{۲*} | رضا جلالی^۳ | محمدعلی خسروی^۴

چکیده

تحریم های اقتصادی دهه ۱۳۹۰، اقتصاد ایران و به تبع آن بخش خصوصی را در تنگنای شدید توسعه ای قرار داد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن تحریم های اقتصادی به عنوان متغیر واسطه، تلاش دارد با بهره گیری از داده ها، شواهد و تحلیل های موجود، تصویر روشنی از عملکرد دولت در دهه ۱۳۹۰ در حوزه حکمرانی خوب و در چارچوب مسئولیت اجتماعی نسبت به بخش خصوصی ترسیم کرده و گامی در جهت اصلاح و بازاندیشی در سیاست های حمایتی بردارد. مقاله با بهره گیری از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل منابع کتابخانه ای، اسناد دولتی، داده های آماری و گزارش های تحلیلی، تلاش می کند ضمن بررسی سیاست های کلان دولت در دهه ۱۳۹۰، به این پرسش پاسخ می دهد که دولت تا چه میزان و با چه کیفیتی در قالب مسئولیت اجتماعی خود، توانسته است زمینه های لازم را برای حمایت از بخش خصوصی فراهم آورد؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که دولت ایران با وجود حرکت در جهت حمایت از بخش خصوصی در راستای مسئولیت اجتماعی خود، به دلیل ماهیت مقطعی و واکنشی سیاستها و نبود پشتوانه نهادی و ساختاری پویا و منعطف اقتصادی در عرصه عمل، نتوانسته نقش پایداری در ارتقای توانمندی بخش خصوصی در قالب ایجاد امنیت روانی و اعتمادساز جهت سرمایه گذاری، رفع محدودیت های تجارت خارجی، تقویت قدرت خرید داخلی و افزایش توانمندی رقابتی فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایجاد نماید. نوآوری پژوهش، تمرکز هم زمان بر دو مفهوم «حکمرانی مطلوب» و «مسئولیت اجتماعی دولت» و تحلیل عملکرد سیاستی دولت در بستر زمانی دهه ۱۳۹۰ است که تاکنون در ادبیات علمی کمتر به طور تلفیقی مورد بررسی قرار گرفته است. کلیدواژه ها: ایران، دولت، بخش خصوصی، تحریم های اقتصادی، مسئولیت اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران..

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Email: dr.soltani@iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

استناد: دادگان، محمدعلی؛ سلطانی، علیرضا؛ جلالی، رضا؛ خسروی، محمدعلی، (۱۴۰۵). بررسی سیاست های حمایتی دولت ایران از بخش خصوصی در برابر تحریم های اقتصادی از منظر مسئولیت اجتماعی (۱۳۹۰-۱۴۰۰)، **دولت پژوهی ایران**

معاصر، ۱(۱۲)، ۸۳-۱۰۷. Doi: [10.47176/irsj.2026.1335](https://doi.org/10.47176/irsj.2026.1335)



مقدمه و بیان مسئله

تحریم های بین المللی در دهه ۱۳۹۰ تأثیر مخربی بر بخش خصوصی ایران گذاشت. این تحریم ها دسترسی به بازارهای جهانی، منابع مالی و فناوری را محدود کرد. بسیاری از بنگاه های خصوصی با کاهش تولید، اختلال در زنجیره تأمین و از دست دادن بازارهای صادراتی مواجه شدند. در نتیجه، بخش خصوصی که نقش حیاتی در اشتغالزایی و تولید ناخالص داخلی دارد، تضعیف شد. در چنین شرایطی، انتظار می رود که دولت ها به عنوان بازیگران اصلی در مدیریت بحران، به مسئولیت های اجتماعی خود در قبال بخش خصوصی عمل کنند. در مسئولیت اجتماعی دولت، به ویژه در شرایط جنگ اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و بحران های ملی، مفهومی فراتر از حمایت صرف اقتصادی است.

با توجه به موارد یادشده، مسئله اصلی این پژوهش آن است که دولت در ایران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ چه کارکردی در توانمندسازی بخش خصوصی از منظر مسئولیت اجتماعی ایفا کرده است. به عبارت دیگر، در شرایطی که تحریم های گسترده و مداوم، محدودیت های جدی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده اند، پرسش اصلی آن است که دولت تا چه میزان و با چه کیفیتی در قالب مسئولیت اجتماعی خود، توانسته است زمینه های لازم را برای حمایت از بخش خصوصی فراهم آورد. در پاسخ به این سؤال، فرضیه اصلی پژوهش آن است که دولت ایران به دلیل محدودیت های مزمن سیاسی و اقتصادی ناشی از تحریم های بین المللی، در ایفای نقش خود در چارچوب مسئولیت اجتماعی ناکارآمد بوده و از توان و ابتکار عمل کافی برای ایجاد امنیت روانی و واقعی جهت سرمایه گذاری، رفع تنگناهای تجارت خارجی، تقویت توان اجتماعی و توسعه بازارهای داخلی برای افزایش قدرت خرید خانوار برخوردار نبوده است.

در این مقاله، تلاش می شود با تمرکز بر بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست گذاری اجتماعی و به ویژه در چارچوب مسئولیت اجتماعی نسبت به بخش خصوصی مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، از روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل منابع کتابخانه ای، اسناد دولتی، داده های آماری و گزارش های تحلیلی استفاده شده است. این

روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با نگاهی کل‌نگر، فرآیندهای تصمیم‌گیری، نحوه مداخله دولت، و نتایج حاصل از سیاست‌ها را در پرتو تحولات اقتصادی دهه مورد نظر واکاوی کند. انتخاب این بازه زمانی به دلیل اهمیت تاریخی و سیاسی آن در روند تحولات اقتصادی ایران، و همچنین ظهور نوع خاصی از مداخلات دولتی تحت فشار تحریم‌ها و تغییرات بین‌المللی صورت گرفته است. در این دوره، دولت‌های مختلف با رویکردهای متنوع سیاسی و اقتصادی، در مواجهه با بحران‌ها تلاش کردند تا به اشکال مختلف از بخش خصوصی حمایت کنند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این حمایت‌ها عمدتاً مقطعی، واکنشی، و بدون پشتوانه نهادی و ساختاری بوده‌اند و نتوانسته‌اند نقش پایداری در ارتقاء توانمندی بخش خصوصی ایفا کنند.

با عنایت به اینکه بنگاه‌های بخش خصوصی به‌ویژه در حوزه‌های تولیدی و صادراتی، مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی و تاب‌آوری کشور در برابر تکانه‌های خارجی به شمار می‌آیند، عدم توجه راهبردی به مسئولیت اجتماعی دولت نسبت به این بخش، آثار زیان‌باری بر کلیت اقتصاد ملی داشته است. بنابراین، ضرورت دارد که دولت‌ها به جای تمرکز بر حمایت‌های مقطعی و دستوری، به تدوین و اجرای راهبردهای جامع و نظام‌مند در حوزه مسئولیت اجتماعی بپردازند تا بتوانند زمینه‌ساز توسعه پایدار و مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات بیرونی شوند. نوآوری پژوهش حاضر، ارزیابی و آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایتی دولت از بخش خصوصی در چارچوب مسئولیت اجتماعی دولت می‌باشد.

این مقاله با هدف تبیین و تحلیل این روند، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از داده‌ها، شواهد و تحلیل‌های موجود، تصویر روشنی از عملکرد دولت در دهه ۱۳۹۰ در حوزه مسئولیت اجتماعی دولت نسبت به بخش خصوصی ترسیم کرده و گامی در جهت اصلاح و بازاندیشی در سیاست‌های حمایتی بردارد.

مبانی نظری پژوهش

مسئولیت اجتماعی دولت به عنوان مفهومی پیچیده و پویا، در طول تاریخ تحولات فکری بشر دستخوش تغییرات معناداری شده است. این مفهوم بیانگر مجموعه تعهدات، وظایف و نقش‌هایی است که دولت در قبال جامعه، شهروندان و محیط زیست بر عهده دارد. خاستگاه نظری این

مسئولیت را می توان در نظریه های کلاسیک دولت جستجو کرد. توماس هابز در اثر برجسته خود، لویاتان دولت را نهادی ضروری برای ایجاد نظم و امنیت در مقابل هرج و مرج وضع طبیعی می دانست. از دیدگاه هابز، مسئولیت اصلی دولت تضمین امنیت جانی شهروندان بود. جان لاک در "دو رساله درباره حکومت" این مسئولیت را گسترش داد و حفظ حقوق طبیعی شامل مالکیت، آزادی و زندگی را به وظایف دولت افزود. ژان ژاک روسو نیز در کتاب قرارداد اجتماعی بر ضرورت عمل دولت در جهت اراده عمومی و خیر جمعی تأکید کرد. این مبانی نظری، سنگ بنای مسئولیت اخلاقی و قانونی دولت در برابر شهروندان را تشکیل می دهند.

در قرن بیستم، نظریه عدالت اجتماعی جان رالز تحول شگرفی در درک مسئولیت دولت ایجاد کرد. رالز در کتاب نظریه ای در باب عدالت (۱۹۷۱) با طرح مفهوم "عدالت به مثابه انصاف"، دو اصل بنیادین را معرفی نمود: اصل برابری در آزادی های اساسی و اصل تفاوت که بر اساس آن نابرابری های اقتصادی تنها زمانی موجه هستند که به نفع محروم ترین اقشار جامعه عمل کنند (رالز، ۱۴۰۳: ۱۲۲). این چارچوب نظری، وظیفه دولت در تنظیم ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به منظور کاهش نابرابری و تضمین فرصت های برابر را تبیین می کند. پیش از آن نظریه دولت که متأثر از اندیشه های جان مینارد کینز بود، بر اهمیت مداخله دولت برای دستیابی به ثبات اقتصادی و کاهش بیکاری تأکید داشت (کینز، ۱۳۹۹: ۱۷۱).

در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، نظریه دولت توسعه گرا به ویژه در کشورهای در حال ظهور آسیایی مطرح شد. چالمرز جانسون در مطالعه معجزه اقتصادی ژاپن نشان داد که چگونه مداخله فعال دولت در بازار، حمایت از صنایع نوپا، سرمایه گذاری در زیرساخت ها و سیاست گذاری اقتصادی هدفمند می تواند به رشد پایدار بینجامد (جانسون، ۱۳۸۶: ۸۳). در این پارادایم، مسئولیت اجتماعی دولت فراتر از رفاه اجتماعی، نقش فعالی در فرآیند توسعه صنعتی، ایجاد اشتغال و ارتقای ظرفیت های تولیدی ایفا می کند.

از اواخر قرن بیستم، ادبیات مسئولیت اجتماعی دولت با مفاهیم حکمرانی خوب و مسئولیت اجتماعی مدنی غنی شد. در این چارچوب، دولت نه تنها موظف به ارائه خدمات عمومی است، بلکه باید زمینه مشارکت فعال شهروندان در فرآیند تصمیم گیری، شفافیت،

پاسخگویی و عدالت بین نسلی را فراهم آورد. پیترز و پیر در اثر خود با عنوان "حکمرانی، سیاست و دولت نشان داده‌اند که تحقق این مسئولیت اجتماعی مستلزم تحول در ساختارهای حکمرانی، تعامل با نهادهای غیردولتی و تقویت سرمایه اجتماعی است (پیر و پیترز، ۱۳۹۶: ۱۴۹). حکمرانی خوب به عنوان الگویی نوین برای توسعه پایدار، بر تعامل سازنده بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تأکید دارد. این الگو با ویژگی‌هایی همچون مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، کارایی، عدالت محوری و حاکمیت قانون شناخته می‌شود (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۷). در این پارادایم، دولت از نقش سنتی تصدی‌گری فاصله گرفته و به تسهیل‌گر، تنظیم‌گر و ناظر تبدیل می‌شود که بسترهای لازم برای توانمندسازی بخش خصوصی را فراهم می‌آورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲۰).

نظریه‌های جدید حکمرانی بر لزوم تدوین سیاست‌های اقتصادی کلان، ایجاد زیرساخت‌های حقوقی، فنی و مالی و همچنین تضمین حقوق مالکیت و قراردادهای به عنوان پیش‌شرط‌های ضروری برای رشد و پایداری بخش خصوصی تأکید دارند (صفریان و امام جمعه زاده، ۱۳۹۵: ۱۲). اصل مشارکت به عنوان رکن بنیادین حکمرانی خوب، بر ضرورت درگیرسازی فعال بخش خصوصی در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دولتی تأکید دارد. (ابوالحسنی، ۱۴۰۰: ۲۴۰). شفافیت به عنوان مکمل مشارکت، مستلزم دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی، روشنی فرآیندهای تصمیم‌گیری و پاسخگو بودن نهادهای دولتی است. شفافیت اطلاعاتی اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را افزایش داده و بستر تعامل بیشتر بین دولت و بخش خصوصی را فراهم می‌کند (دلیر، ۱۴۰۱: ۲۳).

پاسخگویی به عنوان اصل کلیدی دیگر حکمرانی خوب، مسئولیت‌پذیری نهادهای دولتی در قبال تصمیمات و عملکردشان را ضروری می‌داند. ایجاد سامانه‌های پایش، ارزیابی و پاسخگویی، تشکیل نهادهای نظارتی مستقل و توسعه فرهنگ گزارش‌دهی عمومی از جمله سازوکارهای تحقق این اصل هستند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۵). حاکمیت قانون نیز به معنای تساوی همه افراد و نهادها در برابر قانون، از جمله خود دولت، امنیت اقتصادی،

پیش‌بینی‌پذیری بازار و کاهش فساد را به همراه دارد که همگی برای پایداری و رشد بخش خصوصی حیاتی هستند (دلیر، ۱۴۰۱: ۱۵۰).

دولت‌ها در چارچوب حکمرانی خوب موظف به اجرای سیاست‌های عدالت‌محور برای ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی هستند. این سیاست‌ها شامل حمایت هدفمند از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تسهیل دسترسی به منابع مالی، آموزش و فناوری و کاهش موانع ساختاری برای مشارکت اقتصادی اقشار کم‌برخوردار می‌شود (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶). اثربخشی نیز به عنوان توانایی دولت در دستیابی به اهداف تعیین‌شده با استفاده بهینه از منابع، از طریق کیفیت برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی طرح‌ها و ارزیابی مستمر عملکرد محقق می‌شود (صفریان و امام جمعه زاده، ۱۳۹۵: ۲۲).

در حوزه نظریه‌های معاصر، آمارتیا سن در کتاب "توسعه به مثابه آزادی" (۱۹۹۹) توسعه را فرایند گسترش آزادی‌های اساسی می‌داند و بر نقش دولت در ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی قابلیت‌های انسانی تأکید دارد. نورمن جانسون در اثر "دولت رفاه در گذار" (۱۹۸۷) با طرح مفهوم "کثرت‌گرایی رفاهی"، بر تقسیم مسئولیت‌های رفاهی بین دولت، بخش خصوصی و نهادهای داوطلبانه تأکید می‌کند (جانسون، ۱۳۹۴: ۱۵۹). هارتلی دین نیز در "سیاست‌گذاری اجتماعی" (۱۳۸۸) بر ضرورت نقش فعال دولت در تأمین نیازهای اساسی و توانمندسازی شهروندان پای می‌فشارد (دین، ۱۳۸۸: ۴۵).

در زمینه مشارکت بخش خصوصی، دولت موظف است سازوکارهای نهادی برای مداخله مؤثر این بخش در سیاست‌گذاری‌های کلان فراهم کند. چنین مشارکتی علاوه بر افزایش کیفیت تصمیم‌گیری، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در میان فعالان اقتصادی تقویت می‌نماید (Robbins & Judge, 2017: 91). همچنین، ارتقای سطح رفاه اجتماعی و قدرت خرید از طریق سیاست‌های حمایتی مانند بیمه‌های اجتماعی و یارانه‌های هدفمند، به تحرک بازار و پویایی بخش خصوصی کمک می‌کند (Robbins & Judge, 2017: 105).

در جمع‌بندی این بخش تأکید می‌شود که چارچوب نظری مسئولیت اجتماعی دولت در قبال بخش خصوصی بر پایه تلفیق نظریه‌های کلاسیک مسئولیت دولت و اصول حکمرانی

مطلوب و نقش کاتالیزوری دولت در قبال بخش خصوصی استوار است. نقش کاتالیزوری دولت در قبال بخش خصوصی به معنای تسهیل و شتاب‌دهی فرآیندهای اقتصادی و توسعه‌ای است که دولت با ایجاد بسترهای مناسب، کاهش موانع و حمایت‌های هدفمند، زمینه رشد و فعالیت مؤثر بخش خصوصی را فراهم می‌کند. دولت با تنظیم سیاست‌های درست، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حمایت از نوآوری و ایجاد فضای رقابتی سالم، نقش محرک و تسهیل‌کننده را ایفا می‌کند تا بخش خصوصی بتواند به‌عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی و اشتغال، عملکرد بهتری داشته باشد و توسعه پایدار کشور را تضمین کند. این نقش موجب تعادل بین بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود. این چارچوب بر خصوصی‌سازی هوشمند، تدوین قوانین حمایتی، تضمین مشارکت در سیاست‌گذاری، تأمین امنیت اقتصادی، ارتقای رقابت‌پذیری، مبارزه با فساد و بهبود رفاه اجتماعی تأکید دارد. تحقق این اصول نه تنها تعادل اجتماعی را حفظ می‌کند، بلکه در بلندمدت به نفع رشد پایدار اقتصادی و ارتقای جایگاه رقابتی اقتصاد ملی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

با وجود فقدان پژوهش مستقل و شاخصی که به طور جامع به ارزیابی عملکرد دولت ایران در قبال بخش خصوصی طی دهه ۱۳۹۰ از منظر مسئولیت اجتماعی پرداخته باشد، مطالعات متعددی به صورت کلی به موضوع حمایت دولت از بخش خصوصی شکل گرفته‌اند. در مطالعه‌ای تطبیقی، دارا و رضائیان اصفهانی به بررسی نقش دوگانه و متناقض دولت در ایران در مقایسه با کره جنوبی پرداخته‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که حالی که دولت در کره جنوبی با اعمال هدایت هدفمند و تقویت تعامل سازنده با بخش خصوصی، موفق به پایه‌ریزی صنعتی رقابتی و صادرات‌محور شده، دولت ایران در حوزه‌هایی مانند صنعت خودروسازی تنها به مداخله‌گری پرداخته و فاقد برنامه‌ریزی بلندمدت و هم‌راستاسازی سیاست‌ها بوده است. (دارا و رضائیان، ۱۴۰۱: ۱۲۲).

در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان، اکبرزاده و شفیع‌زاده با تمرکز بر کسب و کارهای دانش‌بنیان استدلال می‌کنند که اگرچه دولت ایران سیاست‌هایی برای حمایت از این حوزه تعریف کرده، اما نبود زیرساخت مناسب، بوروکراسی پیچیده و فقدان پیوستگی نهادی، مانع شکل‌گیری یک

اکوسیستم پایدار کارآفرینی شده است. به باور آنان، نقش دولت در این زمینه باید کاتالیزوری و توانمندساز باشد، نه صرفاً تخصیص‌دهنده منابع یا مجوزدهنده (اکبرزاده و شفیع‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۶). از منظر توسعه منطقه‌ای و اجتماعی، مستوفی و همکاران در پژوهشی درباره توسعه شهری، بر نقش بخش خصوصی به عنوان مکمل دولت تأکید کرده‌اند. از نظر آن‌ها، تحول نقش دولت از ناظر صرف به تسهیل‌گر، شرط لازم برای امکان‌پذیر شدن مشارکت فعال و ثمربخش با بخش خصوصی است (مستوفی، ۱۴۰۱: ۵).

احمدوند و علینی در مطالعه‌ای با رویکردی انتقادی، ساختار دولت در ایران را تحلیل نموده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد ساختار شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی نه تنها بستر مناسبی برای ظهور یک بخش خصوصی مستقل و نیرومند فراهم نکرده، بلکه با گسترش رانت و توزیع نابرابر منابع، نوعی «انسداد اقتصادی» را ایجاد کرده است. به باور نویسندگان، این وضعیت نتیجه ناکارآمدی دولت در بازتعریف نقش خود و عدم باور به کارآمدی مکانیسم بازار آزاد است که در نهایت به حذف رقابت و شکل‌گیری انحصارهای شبه‌دولتی انجامیده است (احمدوند و علینی، ۱۴۰۳: ۱۹۳). گرچه این مطالعات از منظرهای نظری و روشی متفاوت به موضوع نگریسته‌اند، اما در یکپارچه‌سازی کلیدی مشترک هستند: تحول در نقش دولت از یک نهاد مداخله‌گر صرف به یک نهاد تسهیل‌گر، شریک و کاتالیزور در تعامل با بخش خصوصی، شرط لازم برای عبور از بحران‌های توسعه‌ای و دستیابی به حکمرانی اقتصادی کارآمد در ایران از منظر مسئولیت اجتماعی است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری و یافته‌های تجربی این مطالعات و دیگر منابع مرتبط، در پی تحلیل ساختار و فرآیند سیاست‌گذاری دولت ایران در قبال بخش خصوصی در چارچوب مسئولیت اجتماعی دولت می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش و عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در حمایت از بخش خصوصی در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی دهه ۱۳۹۰، از روش تحقیق کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است. داده‌ها عمدتاً از طریق مطالعه اسنادی شامل قوانین و مقررات اقتصادی، گزارش‌های رسمی دولت، اسناد مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش‌های اتاق بازرگانی

و مستندات نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گردآوری شده‌اند. همچنین، مقالات علمی معتبر داخلی و خارجی به‌عنوان مبنای تحلیلی به کار رفته‌اند. در تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون به کار گرفته شده است که طی آن مضامین کلیدی سیاست‌های حمایتی دولت در حوزه‌هایی نظیر تأمین مالی، تجارت خارجی، کاهش هزینه‌های تولید، قوانین حمایتی و اصلاح نهادی شناسایی و بر اساس نظریه‌های مسئولیت اجتماعی، نتولیرالیسم و حکمرانی مطلوب طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. این مطالعه به‌صورت تحلیل تبیینی-تفسیری طراحی شده است تا با بررسی سیاست‌ها و رویدادهای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳، چرایی موفقیت یا ناکامی آن‌ها در تقویت بخش خصوصی را تبیین کند. روش‌شناسی تحقیق ترکیبی از نظریه و واقعیت است که با تمرکز بر نقش نهادی دولت، کارآمدی قوانین و مشارکت بخش خصوصی، به ابعاد نهادی، فرهنگی و ساختاری نقش دولت می‌پردازد. رویکرد کیفی امکان تحلیل عمیق‌تر تعاملات نهادی و سیاستی در بستر تحریم‌ها را فراهم کرده و اعتبار و روایی مناسبی دارد. در کل، پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و استفاده از شواهد مستند، انسجام و جامعیت لازم را در تحلیل نقش کاتالیزوری دولت حفظ کرده است.

یافته‌های پژوهش:

اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰

اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ در بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی روندهای نزولی را تجربه کرده و مشکلات بزرگی در ساختار اقتصادی و به تبع آن اجتماعی کشور نمایان شد. بانک جهانی در گزارشی این دهه را برای ایران به عنوان دهه از دست رفته اقتصاد ایران نام برده است. (world Bank, 2023:14) دهه‌ای که بسیاری از کشورهای جهان روند توسعه‌گرایی و تثبیت قدرت و توسعه اقتصادی خود به نتیجه رساندند. از ابتدای دهه ۹۰، متاثر از بحران هسته‌ای، شدیدترین و گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی در ۲ قالب تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و متحدان اروپایی آن به اقتصاد کشور تحمیل شد. تحریم‌هایی که اگرچه در مقطعی کوتاه و در پی توافق

موسوم به برجام از شدت آن کاسته شد اما با خروج آمریکا از برجام ، تحریم های یکجانبه این کشور تشدید گردید و اقتصاد ایران را در مخاطره و تنگنای سخت تری قرار داد . کاهش و قطع سرمایه گذاری خارجی در ایران به ویژه حوزه نفت و گاز، کاهش سهم ایران در تجارت خارجی، سخت شدن فرایند انتقال منابع ارزی به داخل کشور به ویژه با قرار گرفتن ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ، افزایش شدید ریسک فعالیت و سرمایه گذاری و تشدید سفته بازی و سوداگری در کشور کاهش ارزش پول ملی زمینه رکود اقتصادی کاهش سطح رفاه اقتصادی و تضعیف بخش خصوصی را در ساختار اقتصادی ایران فراهم ساخت . (کالب، ۱۴۰۳: ۸۹)

رشد اقتصادی یکی از شاخص های کلیدی در ارزیابی وضعیت کلی اقتصاد یک کشور است. در این بازه زمانی متوسط رشد اقتصادی ایران تقریباً صفر بود و نیمی از سال های این دهه با رشد اقتصادی منفی همراه شد. در دو سال از این دهه (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) حتی رشد اقتصادی به منفی ۶ درصد رسید. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۲۳). کاهش شدید درآمدهای نفتی ، نبود فضای اقتصادی با ثبات، ناکارآمدی سیاست های اقتصادی و کاهش سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی، باعث شد که رشد اقتصادی در این دوره به طور مستمر منفی باقی بماند.

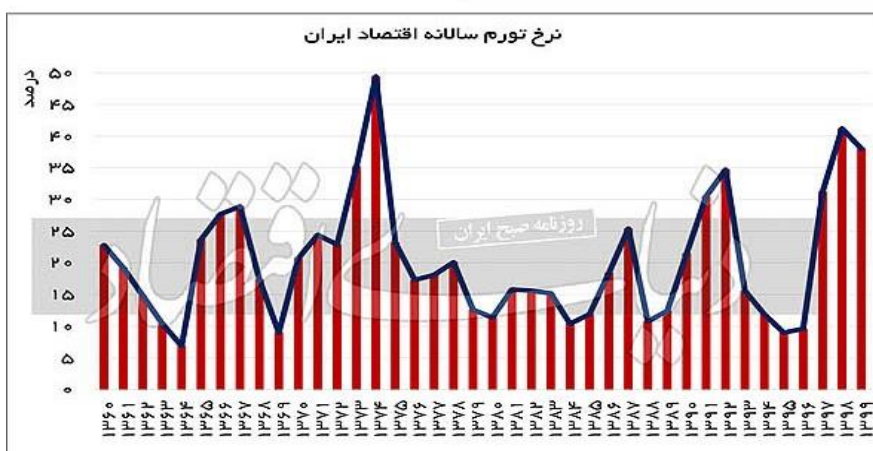
نمودار ۱. رشد اقتصادی ایران / شاخص درصد، منبع : (مرکز آمار ایران ، ۱۴۰۰: ۲۱)



در شاخص سرمایه گذاری نیز در سال ۱۳۹۰، میزان تشکیل سرمایه به قیمت ثابت معادل ۱۷۱ هزار میلیارد تومان بود، اما در پایان سال ۱۳۹۹ این رقم به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. به طور خاص در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، میزان استهلاک سرمایه بیشتر از تشکیل سرمایه بود، که به معنای کاهش ظرفیت‌های اقتصادی کشور و کاهش زیرساخت‌ها است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۳۳). در این دوره، بسیاری از سرمایه‌ها به جاسرمایه گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی، به سمت خرید دارایی‌های غیرمولد یا پناه بردن به دارایی‌هایی همچون طلا و ارز برای حفظ ارزش در برابر تورم گرایش پیدا کردند. (درگاهی، ۱۳۹۸: ۴۶).

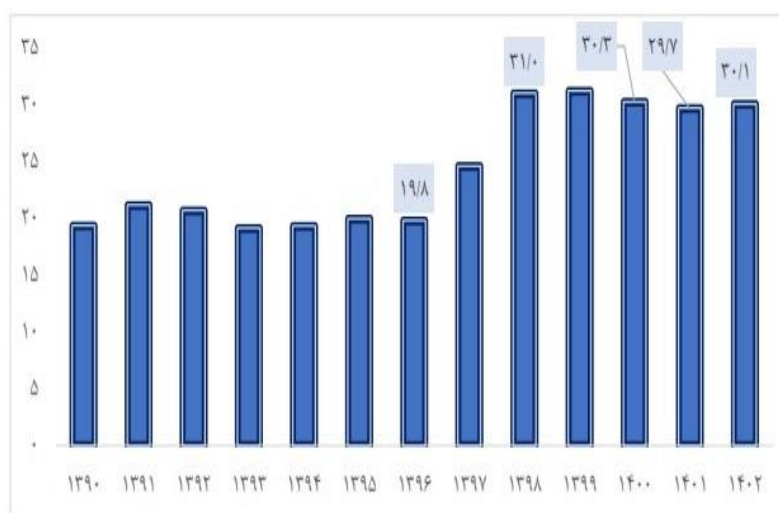
در شاخص نرخ تورم نیز ایران دو قله تورمی قابل توجه را در دهه ۹۰ در پرتو رشد شدید نقدینگی (۴۰ درصد) تجربه کرد. در سال ۱۳۹۲، نرخ تورم به حدود ۳۵ درصد رسید و در سال ۱۳۹۸ این نرخ به ۴۱ درصد افزایش یافت. این سطوح بالای تورم باعث کاهش شدید قدرت خرید مردم و افزایش هزینه‌های زندگی شد (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۰: ۱۵).

نموار ۲. نرخ تورم سالانه در دهه ۱۳۹۰ (درصد)، منبع: (بانک مرکزی، ۱۴۰۰: ۱۵)



حجم تجارت خارجی ایران نیز در ابتدای دهه ۹۰ حدود ۱۰۵ میلیارد دلار بود، اما تا پایان این دهه، به ۷۳ میلیارد دلار کاهش یافت. یکی از دلایل اصلی این کاهش، تحریم‌های اقتصادی و

کاهش صادرات نفت بود. به ویژه پس از خروج ایالات متحده از توافق هسته ای (برجام)، حجم تجارت خارجی ایران کاهش چشمگیری داشت (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹:۱۳). در فاصله سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ وضعیت فقر و نابرابری در ایران با تحولات اقتصادی عمیق و نوسانات چشم گیر همراه بوده است. در ابتدای دهه ۹۰ درآمد سرانه کشور حدود ۷/۴ میلیون تومان بود، اما در پایان دهه این رقم به ۴/۷ میلیون تومان کاهش یافت (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۰:۱۲). این کاهش ۳۲ درصدی در درآمد سرانه نشان دهنده کاهش قابل توجه رفاه عمومی و قدرت خرید خانوارهای ایرانی است. (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳:۸) نمودار ۳. رشد فقر در دهه ۱۳۹۰ (درصد)، منبع: (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳:۱۴)



تاثیر تحریم های اقتصادی بر بخش خصوصی :

چالش های اقتصادی دهه ۹۰، بخش خصوصی ایران را که در پرتو سلطه اقتصاد دولتی و رقابت نابرابر با بخش دولتی، شرایط ناپایداری را تجربه می کرد بیش از پیش آسیب پذیر ساخت. در واقع، ترکیب تحریم های خارجی و سیاست های ناکارآمد داخلی سبب شد بخش خصوصی در دهه ۹۰ با محدودیت های جدی در تأمین مالی، دسترسی به فناوری و حضور در بازارهای

بین‌المللی مواجهه شود. مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های بخش خصوصی ایران در این مقطع زمانی را می‌توان به شرح زیر تبیین کرد:

۱. کاهش انباشت سرمایه مالی بخش خصوصی

تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه پس از محدودسازی بانک مرکزی ایران، موجب اخلاف جدی در مسیرهای تأمین مالی بخش خصوصی شدند. کاهش توان وام‌دهی بانک‌ها و افزایش هزینه‌های تأمین سرمایه از مهم‌ترین نتایج این محدودیت‌ها بود. از سوی دیگر، کاهش دسترسی بانک مرکزی به منابع ارزی خارجی باعث افزایش نرخ ارز، تشدید تورم و بی‌ثباتی مالی گردید. این شرایط ترازنامه شرکت‌های خصوصی را تضعیف و ریسک سرمایه‌گذاری را به شکل محسوسی افزایش داد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳: ۱۵).

۲. کاهش تولید ناشی از افت مصرف خانوار:

از دیدگاه خانوار، تحریم‌ها منجر به کاهش ثروت مالی شامل افت ارزش سپرده‌های بانکی و دارایی‌های مالی شدند. کاهش قدرت خرید خانوار، مستقیماً به کاهش مصرف و در نتیجه افت تقاضا برای محصولات بخش خصوصی انجامید. این مسئله بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی ایران را تحت تأثیر قرار داد. (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲: ۱۱). بنابراین کاهش مصرف خانوار به‌عنوان پیشران تقاضا، به افت تولید بخش خصوصی و تشدید رکود منجر شد.

۳. کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

تحریم‌های مالی و بانکی دهه ۱۳۹۰، دسترسی بخش خصوصی به منابع مالی بین‌المللی را تقریباً مسدود کردند. علاوه بر این، واردات فناوری و ماشین‌آلات با اختلال شدید مواجه شد و نااطمینانی محیط اقتصادی، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داد. بر اساس آمار بانک مرکزی، سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص حقیقی از حدود ۷۵۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ به ۵۸۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ رسید؛ یعنی کاهش ۲۴ درصدی. (بانک مرکزی، ۱۴۰۱: ۲۳). افت شاخص سرمایه‌گذاری صنعتی و ماشین‌آلات به پایین‌ترین سطح تاریخی خود، پیامدهایی همچون کاهش اشتغال و تعمیق رکود اقتصادی را به دنبال داشت.

۴. کاهش شاخص رقابت‌پذیری شرکت‌های خصوصی

محدودیت‌های نقل و انتقال مالی و کاهش اعتبار بین‌المللی باعث شد صادرات غیرنفتی ایران به اروپا طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۵۰ درصد افت کند (اتاق بازرگانی تهران، ۱۴۰۳:۱۰). از نظر فناوریانه نیز واردات ماشین‌آلات از ۲۱.۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ کاهش یافت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۳:۲۳). این امر بهره‌وری و کیفیت تولید را کاهش داد و شکاف فناوری ایران با رقبا را بیشتر کرد. در نتیجه، رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی از ۶۲ در سال ۲۰۱۱ به ۹۹ در سال ۲۰۱۹ سقوط کرد. (WEF2019:54)

۵. افزایش شکاف میان شرکت‌های دولتی و خصوصی

شرکت‌های خصوصی در شرایط تحریم با محدودیت شدید منابع مالی، دسترسی ارزی و مشکلات وارداتی مواجه شدند. بررسی تسهیلات بانکی سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد بیش از ۵۵ درصد اعتبارات به بنگاه‌های بزرگ دولتی تعلق گرفت، در حالی که سهم شرکت‌های کوچک و متوسط خصوصی تنها حدود ۲۰ درصد بود (بانک مرکزی، ۱۳۹۸:۱۱). همچنین سهم شرکت‌های خصوصی از صادرات غیرنفتی از ۴۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافت. این نابرابری‌ها به تقویت ساختار رانتی و تضعیف رقابت آزاد منجر شد.

۶. افزایش هزینه‌های تولید و ریسک فعالیت اقتصادی

قطع ارتباط با نظام بانکی جهانی و نیاز به استفاده از واسطه‌های غیررسمی، هزینه‌های واردات مواد اولیه و تجهیزات صنعتی را افزایش داد. گزارش وزارت صنعت نشان می‌دهد هزینه واردات تجهیزات صنعتی در سال ۱۳۹۸ نسبت به ۱۳۹۶ تا ۵۰ درصد رشد داشته است. همچنین، هزینه‌های ارزی ناشی از استفاده از صرافی‌ها بین ۸ تا ۱۵ درصد افزایش یافته است (اتاق بازرگانی تهران، ۱۴۰۱:۱۳).

۷. تضعیف برنامه‌ریزی توسعه‌ای بخش خصوصی

بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از بنگاه‌های خصوصی گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد بنگاه‌های کوچک و متوسط در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ فاقد برنامه توسعه‌ای مدون بودند. در سال ۱۴۰۰ نیز بیش از ۶۰ درصد شرکت‌ها «عدم پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کلان» را مهم‌ترین مانع توسعه دانستند (اتاق بازرگانی تهران، ۱۴۰۱:۱۴).

۸. رشد اقتصاد غیررسمی:

سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص داخلی ایران از حدود ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۳۳ درصد در سال ۱۳۹۹ رسید. در مقطعی بیش از ۵۰ درصد مبادلات ارزی از طریق بازار غیررسمی انجام می‌شد (Hashemi, 2022:45). همچنین ۴۵ درصد صادرکنندگان خصوصی بین سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ ناچار به استفاده از مسیرهای غیررسمی برای بازگشت ارز شدند (اتاق بازرگانی تهران، ۱۴۰۰:۲۰).

۹. کاهش بهره‌وری:

شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید در صنایعی همچون داروسازی، نساجی و تجهیزات صنعتی بین ۱۵ تا ۲۵ درصد کاهش یافت (Aliakbari, 2020:23). همچنین نوسانات ارزی و بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی، اجرای پروژه‌های بهره‌وری‌زا را به تعویق انداخت (Feghe Majidi, 2022:45). داده‌های مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد سهم بهره‌وری در رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به منفی ۱.۵ درصد رسید (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰:۹). این روند ظرفیت رقابت‌پذیری بخش خصوصی ایران را به شکل سیستماتیک تضعیف کرد.

بحث و تحلیل:

دولتها چنانچه در بخش چارچوب نظری تحقیق بیان گردید در شرایط بحران یا رکود اقتصادی با هدف کمک به احیای بخش خصوصی سیاست‌های حمایتی در قالب مسئولیت اجتماعی و سیاست‌گذاری خاص اقتصادی در پیش می‌گیرند. دولت ایران نیز در این شرایط مجموعه‌ای از سیاستها را به تناسب شرایط سیاسی و اقتصادی و بر مبنای مسئولیت اجتماعی در سیاستهای کلان اقتصادی و سیاست‌های حمایتی خاص بخش خصوصی در پیش گرفت. در این بخش ضمن اشاره به سیاست‌های حمایتی اتخاذ شده، میزان اثرگذاری آن بر تقویت بخش خصوصی آن تحلیلی می‌گردد.

۱- خصوصی سازی و تقویت سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی :

یکی از مهم ترین شاخص های سنجش مسئولیت اجتماعی دولت ها در قبال توسعه پایدار اقتصادی، توانمندسازی بخش خصوصی و فراهم سازی زمینه های مشارکت فعال آن در اقتصاد ملی است. در این میان، خصوصی سازی به عنوان ابزاری کلیدی برای کوچک سازی دولت، ارتقاء کارایی اقتصادی و تقویت رقابت پذیری در اقتصاد، نقشی اساسی ایفا می کند (بشیری، ۱۴۰۳: ۴۳). در ایران، این سیاست از دهه ۱۳۸۰ به طور رسمی مورد توجه قرار گرفت، اما طی دهه ۱۳۹۰ با چالش ها و موانع جدی روبه رو شد. خصوصی سازی در دهه ۱۳۹۰ نه تنها به تقویت بخش خصوصی منجر نشد، بلکه در موارد متعددی به بروز پدیده های موسوم به «خصوصی سازی» انجامید؛ در واقع، به جای واگذاری واقعی به بخش خصوصی توانمند، فرآیند واگذاری بیشتر در خدمت تأمین مالی دولت، کاهش بدهی های عمومی و جبران کسری بودجه قرار گرفت. (پژمان الهامی طالش، ۱۴۰۱: ۳۵). ناکامی خصوصی سازی در ایران ناشی از نبود اراده سیاسی کافی، مقاومت ساختارهای دولتی و شبه دولتی، ضعف نهادهای نظارتی در کنترل واگذاری ها و نگرش درآمدی دولت به جای رویکرد توسعه ای بود. این عوامل سبب شد دولت در کوچک سازی موفق نباشد و اعتماد عمومی و انگیزه سرمایه گذاران بخش خصوصی کاهش یابد.

۲- ایجاد بسترهای امن سیاسی و اجتماعی برای فعالیت بخش خصوصی:

یکی از وظایف کلیدی دولت در مسئولیت اجتماعی خود، ایجاد بسترهای باثبات و پیش بینی پذیر سیاسی و اجتماعی برای کاهش ریسک و افزایش اعتماد سرمایه گذاران بخش خصوصی است. اما بررسی دهه ۱۳۹۰ نشان می دهد دولت در این زمینه ناکام بوده است؛ شاخص ریسک اقتصادی ایران افزایش یافته و کشور به عنوان محیط پرریسک برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی شناخته شد. این بی ثباتی باعث کاهش اعتماد بخش خصوصی، فرار سرمایه و گرایش به فعالیت های غیرمولد شد، به طوری که بخش خصوصی به جای توسعه اقتصادی، نگران تغییرات ناگهانی سیاست ها و تهدیدهای امنیتی بود که برنامه ریزی بلندمدت را دشوار می کرد. (World Bank, 2022:23)

۳- تدوین قوانین حمایت از تولید و بخش خصوصی؛

یکی از راهبردهای اعلام شده دولت و مجلس شورای اسلامی برای حمایت از بخش خصوصی و ارتقاء تولید داخلی، تدوین و تصویب قوانین حمایتی بوده است. از جمله مهم ترین این قوانین می توان به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور (مصوب ۱۳۹۴) و قانون اصلاح برخی مواد قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار (مصوب ۱۴۰۱) اشاره کرد. (صادقی، ۱۴۰۱: ۷۵) همچنین قانون جهش تولید دانش بنیان (مصوب ۱۴۰۱) و قانون اصلاح مواد ۱ و ۷ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از دیگر اقدامات در این راستا محسوب می شوند. با وجود این تلاش ها در عرصه قانون گذاری، عملکرد واقعی این قوانین در تحقق اهداف اعلام شده با چالش های جدی روبه رو شد. نخست آنکه بسیاری از مواد این قوانین به درستی اجرایی نشدند یا با تأخیرهای طولانی در ابلاغ آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی مواجه شدند. برای مثال، در مورد قانون رفع موانع تولید، شواهد نشان می دهد که بیش از نیمی از احکام این قانون یا اجرایی نشده یا تنها به صورت ناقص اجرا شده اند. (المیری، ۱۳۹۹: ۸۳). دوم، بسیاری از این قوانین بدون در نظر گرفتن ظرفیت های اجرایی دستگاه های مسئول تدوین شده اند، به گونه ای که نه تنها به کاهش موانع موجود کمکی نکرده اند، بلکه با اضافه کردن فرآیندها و نهادهای جدید، پیچیدگی های بیشتری را بر دوش تولیدکنندگان تحمیل کرده اند. همچنین، بی ثباتی مقررات و تغییر مکرر سیاست ها و آیین نامه ها، فضای ناامن و غیرقابل پیش بینی برای فعالیتهای اقتصادی ایجاد کرده است. سوم، عدم هماهنگی بین نهادهای اجرایی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد، موجب شده تا نظارت مؤثری بر اجرای قوانین حمایتی صورت نگیرد. در این میان، بخش خصوصی نیز اغلب در فرآیند تدوین و نظارت بر اجرای این قوانین مشارکت داده نشده، و این مسئله باعث ناهماهنگی میان نیازهای واقعی فعالان اقتصادی و محتوای قوانین مصوب شده است.

۴- تسهیل کسب و کار:

تسهیل فضای کسب و کار یکی از الزامات بنیادین توسعه اقتصادی و از مؤلفه های اصلی مسئولیت اجتماعی دولت ها در قبال بخش خصوصی محسوب می شود. در این راستا، دولت ایران طی دهه ۱۳۹۰ اقداماتی را به منظور بهبود شرایط فعالیت اقتصادی، تسهیل مقررات و حذف موانع پیش روی

فعالان اقتصادی انجام داد. با این حال، این اقدامات به دلایل متعدد نتوانستند به بهبود محسوس در وضعیت کسب و کار کشور بینجامند و در عمل موجب تضعیف بخش خصوصی شدند. مطابق گزارش «سهولت انجام کسب و کار» بانک جهانی در سال ۲۰۲۰، ایران در میان ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۷ قرار گرفت؛ (World Bank, 2020:33) شاخص‌هایی مانند اخذ مجوز ساخت و ساز، پرداخت مالیات، ثبت مالکیت و دسترسی به اعتبارات از جمله عواملی بودند که ایران در آن‌ها عملکرد ضعیفی داشت. در دهه ۱۳۹۰، با وجود تصویب قوانینی همچون قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (مصوب ۱۳۹۰) و قانون اصلاح مواد مربوط به صدور مجوزهای کسب و کار (مصوب ۱۴۰۱)، بوروکراسی اداری، مقررات پیچیده، ناپایداری سیاست‌ها، و نبود نهادهای نظارتی مستقل از جمله عواملی بودند که مانع تحقق اهداف این قوانین شدند (حیدری منور، سلطانی، ۱۳۹۹: ۱۹۰). بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد مجوزهای رسمی کسب و کارهای کوچک در برخی سال‌های دهه ۱۳۹۰ کاهش داشته است و نرخ مشارکت اقتصادی نیز در اغلب سال‌ها زیر ۴۵ درصد باقی ماند. این شرایط باعث شد اعتماد عمومی به سیاست‌های حمایتی دولت کاهش یابد و بخش خصوصی تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری مولد نشان دهد.

۵- تسهیل دسترسی بخش خصوصی به منابع مالی:

با تشدید تحریم‌های اقتصادی، نوسانات ارزی، و محدودیت‌های بانکی داخلی و خارجی، دسترسی بخش خصوصی به منابع مالی به شدت کاهش یافت. نرخ بالای سود بانکی، تمرکز بانک‌ها بر تأمین مالی بنگاه‌های دولتی یا شبه‌دولتی، و نبود سیستم اعتبارسنجی شفاف، از جمله عواملی بودند که مانع از تخصیص مؤثر منابع به بخش خصوصی واقعی شدند. دولت، به عنوان متولی نظام اقتصادی و ناظر بر بازار پول، می‌بایست با اصلاح سیاست‌های اعتباری، تقویت نهادهای مالی غیربانکی، و تسهیل جذب سرمایه خارجی، زمینه بهتری برای تأمین مالی بخش خصوصی فراهم می‌کرد. با این حال، فقدان برنامه‌ریزی مؤثر و ناهماهنگی نهادی، مانع از ایفای نقش حمایتی دولت در این حوزه شد و بخش خصوصی در عمل با تنگنای شدید اعتباری مواجه ماند.

۶- مشارکت بخش خصوصی در سیاست گذاری های کلان:

ایجاد سازوکارهایی برای شنیدن صدای فعالان اقتصادی، به کارگیری ظرفیت های بخش خصوصی در تصمیم سازی ها، و ایجاد فضای گفت و گوی دوسویه، می تواند منجر به ارتقای کیفیت تصمیمات اقتصادی و افزایش اعتماد متقابل گردد (مالمیری، ۱۳۹۹: ۸۵). در این راستا نهادهایی مانند شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی (مصوب ۱۳۸۹)، اتاق بازرگانی ایران، و اتاق تعاون به عنوان بسترهای نهادی برای مشارکت بخش خصوصی در سیاست گذاری اقتصادی ایجاد شدند. هدف از تشکیل این نهادها، تسهیل تعامل دولت با فعالان اقتصادی، دریافت پیشنهادها و نظرات اصلاحی، و ارتقای کارآمدی سیاست های کلان اقتصادی بوده است (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۴۰۳: ۳۲). در دهه ۱۳۹۰، عملکرد نهادهای مشورتی همچون شورای گفت و گو با چالش های جدی مواجه شد. بسیاری از مصوبات این شوراها جنبه مشورتی داشت و ترکیب آنها، به ویژه در سطوح استانی، غالباً تحت تأثیر رویکردهای دولتی بود که باعث گفت و گوی یک سویه و غیرمؤثر می شد. همچنین، اتاق های بازرگانی و تعاون قدرت چانه زنی کافی نداشتند و سیاست های اقتصادی بدون مشورت واقعی بخش خصوصی تدوین می شد که موجب شکاف بین تصمیم گیران و فعالان اقتصادی شد.

۷- تقویت توان رقابتی بخش خصوصی؛

اصلاح ساختارهای نهادی، مقابله با انحصار، و حمایت از رقابت عادلانه، زمینه رقابت پذیری را برای بخش خصوصی فراهم کنند. در دهه ۱۳۹۰، باوجود تأکیدات مکرر بر تقویت بخش خصوصی، فضای رقابتی در اقتصاد ایران با موانع جدی مواجه شد. مطابق گزارش رقابت پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ایران در سال ۲۰۱۹ در رتبه ۹۹ از میان ۱۴۱ کشور قرار گرفت. در این گزارش، ایران در شاخص های رقابت در بازار داخلی، سهولت راه اندازی کسب و کار، و اثربخشی سیاست های ضدانحصار عملکرد ضعیفی از خود نشان داد. (World Economic Forum, 2019: 45). دلایل این ضعف را باید در تداوم ساختارهای انحصاری، نفوذ بنگاه های دولتی و خصوصی، و عدم اصلاح نظام های حمایتی و تعرفه ای جست و جو کرد. بخش عمده ای از بازار در اختیار نهادهای وابسته به دولت باقی ماند و بخش خصوصی واقعی از رقابت برابر محروم

شد. دولت نیز توانست قوانین مؤثر رقابتی، نظیر اجرای کامل قانون اصل ۴۴ و قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را به طور جامع عملیاتی کند.

۸- مبارزه با فساد اقتصادی و اداری؛

تحریم های بین المللی، ناکارآمدی های ساختاری، و افزایش مداخلات دولتی عواملی بودند که بستر مناسبی برای گسترش فساد اداری و اقتصادی فراهم آوردند. با وجود تأکید مکرر دولت ها بر شفاف سازی، عملکرد اجرایی در این حوزه بسیار محدود و غیرسیستماتیک باقی ماند. یکی از شواهد این وضعیت، جایگاه ضعیف ایران در شاخص درک فساد (CPI) ارائه شده توسط سازمان شفافیت بین الملل است. بر اساس داده های این سازمان، ایران در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۱۴۶ از میان ۱۷۸ کشور و در سال ۲۰۱۹ در رتبه ۱۴۶ از ۱۸۰ کشور قرار گرفت که نشان دهنده عدم بهبود محسوس در وضعیت مبارزه با فساد طی این دهه است (Transparency International, 2020:21). که نشانه سطح بالای فساد ادراک شده است. این وضعیت تأثیر منفی مستقیم بر فعالیت های بخش خصوصی داشته است. فرآیندهای طولانی و غیرشفاف اداری، تبعیض در اعطای مجوزها، تخصیص ارز و منابع بانکی، و فقدان نظارت مؤثر بر نهادهای دولتی از مهم ترین مصادیق فساد اداری بودند که فضای رقابتی را مختل و هزینه های مبادله را برای فعالان اقتصادی مستقل افزایش دادند. (اسماعیلی، ۱۴۰۱) علاوه بر آن، ضعف نهادهای ضدفساد موجب شد اقدامات انجام شده بیشتر حالت واکنشی و موردی تا اصلاحات نهادی و ساختاری داشته باشند.

۹- ارتقای سطح رفاه و توانمندسازی اجتماعی؛

در اقتصادهای نوظهور، تقویت طبقه متوسط، کاهش فقر و نابرابری، و بهبود قدرت خرید عمومی از جمله شاخص هایی هستند که موجب افزایش تقاضای مؤثر، کاهش ریسک بازار و فراهم سازی شرایط مناسب برای سرمایه گذاری خصوصی می شوند. (Ahmadi, 2023:236) اجرای طرح هدفمندی یارانه ها از سال ۱۳۸۹ با هدف اصلاح نظام پرداخت یارانه ها، افزایش بهره وری و حمایت از تولید آغاز شد. انتظار می رفت منابع آزاد شده از حذف یارانه های انرژی به سمت ارتقای توان تولیدی کشور و حمایت از اقشار آسیب پذیر هدایت شود. (جلیلیان و سلطانی

(۴۸:۱۴۰۴) با این حال، در دهه ۱۳۹۰، این سیاست نه تنها به بهبود رفاه اجتماعی منجر نشد، بلکه به دلیل ساختار ناکارآمد اجرایی، توزیع غیرهدفمند منابع، و تورم فزاینده ناشی از شوک‌های قیمتی، موجب تضعیف قدرت خرید خانوارها، افزایش نابرابری و کاهش سهم طبقه متوسط از منافع اقتصادی شد. دولت در این دوره بخش قابل توجهی از منابع حاصل از اصلاح قیمت‌ها را صرف پرداخت‌های نقدی عمومی کرد، در حالی که سهم تولید و بخش خصوصی واقعی از این منابع بسیار اندک بود. (حیدری منور و سلطانی، ۱۳۹۹: ۲۰۰). در غیاب برنامه مشخص برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی، بخش خصوصی نه از افزایش تقاضای مؤثر نفع برد و نه از حمایت‌های زیرساختی و مالی لازم برای رشد و توسعه بهره‌مند شد. این موضوع موجب شد بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط، به دلیل فشارهای قیمتی، کاهش تقاضا، و دسترسی محدود به منابع مالی، با کاهش تولید یا تعطیلی مواجه شوند. از سوی دیگر، شاخص‌های نابرابری و فقر در دهه ۱۳۹۰ روند افزایشی داشتند. طبق گزارش مرکز آمار ایران، ضریب جینی به‌عنوان شاخصی برای سنجش نابرابری درآمدی، در اغلب سال‌های این دهه در محدوده ۰.۳۹ تا ۰.۴۰ نوسان داشته است که نشان‌دهنده افزایش فاصله طبقاتی است. همزمان، طبقه متوسط به واسطه فشارهای تورمی، کاهش درآمد واقعی و حذف حمایت‌های غیرنقدی، بیش از پیش تضعیف شد و توانمندی اجتماعی و اقتصادی آن کاهش یافت (Ahmadi, 2023:260).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

تحلیل سیاست‌گذاری دولت ایران در قبال بخش خصوصی در دهه ۱۳۹۰، از منظر حکمرانی خوب و مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد که علی‌رغم برخی تلاش‌های مثبت و هدفمند، در مجموع این سیاست‌ها از اثربخشی لازم برای ایفای مسئولیت اجتماعی دولت در قبال بخش مولد اقتصاد برخوردار نبوده‌اند. دلایل اصلی این ناکامی در سلطه اقتصاد دولتی و رانتی بر فضای کسب و کار، ضعف نهادهای میانجی، مشارکتی و نظارتی، سیاست‌گذاری مقطعی، غیرساختاری و بدون ارزیابی، محدودیت شدید منابع مالی و سوءمدیریت، بی‌ثباتی قوانین و مقررات اجرایی و غفلت از عنصر زمان در حکمرانی اقتصادی خلاصه می‌گردد. در چنین شرایطی، بخش خصوصی به جای آن که به بازیگر اصلی در مسیر توسعه اقتصادی تبدیل شود، به حاشیه رانده شد و در

معرض فشارهای ناشی از تحریم، سیاست های داخلی ناکارآمد و فضای بی ثبات اقتصادی قرار گرفت. در پرتو یافته های این پژوهش و در سایه تجربه تلخ و پرفراز و نشیب اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰، و با در نظر گرفتن احتمال تداوم یا تشدید تحریم ها و شکنندگی ساختارهای اقتصادی موجود، تقویت بخش خصوصی به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی، نیازمند بازاندیشی جدی در نحوه سیاست گذاری دولت، متناسب با مسئولیتی اجتماعی دولت و بر بمبنای نقش کاتالیزوری است. در این راستا با توجه به تداوم شرایط تحریمی در زمان نگارش مقاله پیشنهاد می گردد:

۱- دولت باید از سیاست گذاری جزیره ای و مقطعی فاصله بگیرد و به سوی طراحی یک «چارچوب کلان سیاستی ملی حمایت از بخش خصوصی» حرکت کند. این چارچوب باید با هدف شفاف سازی محیط کسب و کار، تسهیل ورود سرمایه گذاری، و حذف موانع ساختاری طراحی شود.

۲- لازم است دولت ساختارهای نهادی مشارکت را بازتعریف کرده و تقویت نماید. شوراهای گفت و گو میان دولت و بخش خصوصی باید از حالت مشورتی صرف خارج شده و به نهادهای تصمیم ساز تبدیل شوند. این امر مستلزم تفویض اختیارات، افزایش شفافیت در تصمیم سازی ها، و تعریف شاخص های عملکردی برای مشارکت بخش خصوصی در تدوین سیاست هاست. همچنین تقویت نهادهای صنفی مستقل و حمایت از شبکه سازی میان بنگاه های خصوصی، بستری برای هم افزایی در فرآیند حکمرانی مشارکتی ایجاد می کند.

۳- تأکید اصلی در شرایط خاص اقتصاد ایران، بر نقش کاتالیزوری دولت است؛ نقشی که بیش از هر چیز بر مسئولیت اجتماعی دولت در کاهش موانع ساختاری و تسهیل گری فعال برای رشد بخش خصوصی استوار است. در این راستا، دولت باید مجموعه ای از اقدامات اصلاحی و سیاستی را در چند محور کلیدی یعنی اصلاح نظام مالی و بانکی، رفع موانع نهادی و بروکراتیک، حمایت های هدفمند (مولد، فن اور و صادرات گرا)، ایجاد ثبات اقتصادی، افزایش قدرت خرید مصرف کننده و ارتقای دیپلماسی اقتصادی متمرکز نماید.

در مجموع، تجربه دهه ۱۳۹۰ نشان داد که بدون ایفای نقش کاتالیزوری از سوی دولت در چارچوب حکمرانی مطلوب، بخش خصوصی نه تنها قادر به مقابله با بحران های خارجی نیست، بلکه آسیب پذیری آن تشدید می شود. دولت باید از جایگاه تصدی گر و رقیب، به جایگاه

تسهیل‌گر و توانمندساز تغییر یابد. تحقق این تحول نیازمند تعهد سیاسی، نوسازی نهادهای سیاست‌گذار، و بازتعریف رابطه دولت و بخش خصوصی در یک چارچوب راهبردی توسعه‌گراست. تنها در چنین شرایطی می‌توان به ایجاد رشد پایدار، کاهش بیکاری و ارتقاء تاب‌آوری اقتصادی کشور در مواجهه با بحران‌های پیش‌رو امیدوار بود.

فهرست منابع

- Abolhasani, R. (2021). Theoretical explanation of the position of civil society in the model of good governance. *Political Theory Research*, 29(15), 233–250. (in Persian)
- Ahmadi, H. (2023). Identifying the adverse impacts of implementing the targeted subsidies policy in Iran: Meta-synthesis approach. [Journal name not provided], 28(94), 225–280.
- Aliakbari, F. (2020). The effects of economic sanctions on private investment in Iran. *The Open Access Journal of Resistive Economics (OAJRE)*, 8(4). https://www.oajre.ir/article_125411_221af99c8181f3a59d26a8e23714b9f2.pdf
- Alini, Ehsan, and Ahmadvand Shojae (2024). Government inefficiency and its impact on the structure of Iran's private sector (Case study: 1979–2005). *Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development*, 15(58), 193-244. (in Persian)
- Akbarzadeh, Najmeh, and Shafiezhadeh, Ehsan. (2012). Examining the role of the government in improving the creation and development of knowledge-based businesses. *Roshd va Fanavari Quarterly*, 9(33), 46-53. (in Persian)
- Bashiri, S. (2024). Comprehensive analysis of the structure of the industrial sector in Iran with an emphasis on two decades of developments. *Majlis Research Center*. Retrieved from https://report.mrc.ir/article_10335.html (in Persian)
- Central Bank of Iran. (2019). Annual economic report 2018. Tehran: Economic Policies and Research Department. (in Persian)
- Central Bank of Iran. (2020). Annual economic report 2019. Tehran: Economic Policies and Research Department. (in Persian)
- Central Bank of Iran. (2022). Annual economic report 2021. Tehran: Economic Policies and Research Department. (in Persian)
- Chamber of Commerce of Iran. (2021). National business environment monitoring report of Iran. Tehran: Research Center of ICCI. (in Persian)
- Chamber of Commerce of Iran. (2022). National business environment monitoring report of Iran. Tehran: Research Center of ICCI. (in Persian)
- Darā, Jalil, and Rezaeian, Mojgan. (2022). A look at the role of the government in industrial development: A case study of the automotive industry in Iran and South Korea. *Journal Name*, 8(29), 122-149. (in Persian)
- Darghahi, H. (2019). A macroeconomic analysis and foresight of Iran's economic growth. Tehran: Institute for Management and Planning Studies. (in Persian)
- Din, H. (2009). Social policy (A. Bichranlou, Trans.). Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)

- Esmaceli, A. (2022). Judicial transformation and prevention of economic corruption (Second step of the Revolution). *Contemporary Iranian State Studies Quarterly*, 8(1), 133–163. (in Persian)
- Feghe Majidi, A. (2022). The impact of sanctions on the economy of Iran. *The Open Access Journal of Resistive Economics*, 10(1), 11–27. [https://www.oajre.ir/article_170178_0a470584cc9a98f245306f213c7f6301.pdf](https://www.oajre.ir/article_170178_0a470584cc9a98f245306f213c7f6301.pdf)
- Hashemi, S. (2022). Size and causes of the shadow economy in Iran: An analysis with the MIMIC approach. *International Journal of New Political Economy*, 3(2), 127–157. [https://jep.sbu.ac.ir/article_102775.html](https://jep.sbu.ac.ir/article_102775.html)
- Heidari Manvar, A., & Soltani, A. (2020). Examining the economic and social impacts of the subsidy targeting plan on household welfare. *Welfare Policy Quarterly*, 9(2), 175–205. (in Persian)
- Jalilian, B., & Soltani, A. (2025). Analysis of the policy foundations of Ahmadinejad's government in subsidy targeting. *Contemporary Iranian State Studies Quarterly*, 11(2), 35–55. (in Persian)
- Johnson, C. (2013). *MITI and the Japanese miracle* (M. Mohammadi, Trans.). Tehran: Bazargani Publishing. (in Persian)
- Johnson, M. (2020). Corporate social responsibility and firm performance: A dual perspective. *Management Decision*, 58(2), 363–380. <https://doi.org/10.1108/MD-10-2018-1092>
- Johnson, N. (1987). *The welfare state in transition: The theory and practice of welfare pluralism*. Brighton: Wheatsheaf.
- Kalb, Z. (2024). Class bias of economic sanctions in Iran (H. Ashrafi, Trans.). Tehran: ICCI Economic Studies Department. Retrieved from file:///C:/Users/USER/Downloads/fl_2047%20(1).pdf (in Persian)
- Keynes, J. M. (2020). *The general theory of employment, interest, and money* (M. Farhang, Trans.). Tehran: Nashr Ney. (in Persian)
- Khan, M. A., Akbar, A., Shahzad, A., & Ijaz, M. (2020). The impact of government subsidies on corporate social responsibility: Evidence from Pakistan. *Journal of Public Economics*, 189, 104–118.
- Malmiri, A. (2020). Evaluation of the performance of the government-private sector dialogue council in regulation and deregulation. *Development and Planning Research*, 3, 79–122. (in Persian)
- Mostofi ,Azin (2022). Explaining the role of the private sector in the realization of urban planning. *Quarterly Journal of Geography and Urban Space Development*, 1(16), 1-16. (in Persian)
- Mosleynajad, A. (2012). Economic policy and the social responsibility of the state. *Political Science Quarterly*, 42(1), 311–331. (in Persian)
- Nobakht, M. B. (2021). *Engineering economics and project financial management*. Tehran: Shahid Beheshti University. (in Persian)
- Nouri, M. (2024). A model for analyzing the barriers of financing production in SMEs. *Asset Management and Financing*, 1(44). [https://amf.ui.ac.ir/article_28399.html](https://amf.ui.ac.ir/article_28399.html) (in Persian)
- Pegman Elhami Talash, M., et al. (2022). Examining the role of Iran's developmental governments in economic development. *Contemporary Iranian State Studies Quarterly*, 8(1), 31–57. (in Persian)

- Peir, G., & Peters, G. (2014). Governance, politics and the state (H. Ghalaji, Trans.). Tehran: Rahyaf Khat Aval. (in Persian)
- Rawls, J. (2024). A theory of justice (M. Nouri, Trans.). Tehran: Nashr Markaz. (in Persian)
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2024a). Comprehensive analysis of the industrial sector in Iran with an emphasis on two decades of developments. Tehran: Energy Studies Office. (in Persian)
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2024b). Analysis of Iran's economic developments and outlook. Tehran: Office of Macroeconomic Studies. Retrieved from https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1817627 (in Persian)
- Robbins, S. P., & Judge, T. A. (2017). Organizational behavior (17th ed.). Boston, MA: Pearson Education.
- Robbins, S. P., & Judge, T. A. (2017). Organizational behavior (A. Parsaian & S. A. Arabi, Trans.). Tehran: Daftar Pajoheshhaye Farhangi. (in Persian)
- Sadeghi, H. (2022). Environmental governance and government efficiency in Iran. Contemporary Iranian State Studies Quarterly, 8(2), 73–96. (in Persian)
- Safarian, R., & Emamjomehzadeh, S. J. (2016). The model of good governance: A cooperative society and efficient government in development management. Political Science Quarterly, 12(36), 7–40. (in Persian)
- Safarian, R., & Emamjomehzadeh, S. J. (2017). The model of good governance: Social capital and comprehensive development. State Studies, 3(12), 145–181. (in Persian)
- Sharifzadeh, F., & Gholipour, R. (2003). Good governance and the role of government. Organizational Culture Management, 1(2), 93–108. (in Persian)
- Statistical Center of Iran. (2020). Report on macroeconomic indicators, 2019. Tehran: Statistical Center of Iran. Retrieved from https://amar.org.ir/Portals/0/Articles/gozarssh3-99.pdf?ver=IFLVXAbs4vMZ2VFC1dkfzA%3d%3d (in Persian)
- Statistical Center of Iran. (2023). Household budget report in urban areas of Iran, 2022. Tehran: Economic and Accounting Department. Retrieved from https://amar.org.ir/cost-and-income (in Persian)
- Transparency International. (2020). Corruption perceptions index 2019. https://www.transparency.org/en/cpi/2019 (https://www.transparency.org/en/cpi/2019)
- World Bank. (2023). Iran poverty diagnostic. Washington, DC: World Bank. https://documents1.worldbank.org/curated/en/099110623175541902/pdf/P1777150fa1dc02108b55086af5f3268f5.pdf (https://documents1.worldbank.org/curated/en/099110623175541902/pdf/P1777150fa1dc02108b55086af5f3268f5.pdf)
- World Economic Forum. (2019). The global competitiveness report 2019. Geneva: World Economic Forum.

